

فصلنامه انجمن در پیروگراد : نوشته ایکندر رامیوچ

نوامبر ۱۹۹۳

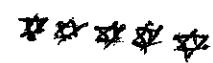
پیشگفتار مترجم : مرتضی حبیط

" رویدادها در بزرگ سرچشمه اسطوره مار پیواراند . در سال ۱۹۱۷ ، بلشویکها - در حالیکه قیادت آن  
 را در چاربا جمع شدند و با از خود دودگی و با عرضگی نشان دادند - بارها می چینه کشنده ای دست به عمل زدند و  
 رهبری انقلاب را بدست گرفتند . از آنجا که این کشور تاریخی به صورتی بی ارزشی در دست سیاستمداران آن روز تمام شد ،  
 این نشان بوجود آمد که رهبری بلشویکها بر خلاف سایر احزاب قسطنطنیه از گروهی مردان در زمانیکه آن اندلسی و  
 همچون است . این نشان گرچه به دور از واقعیت است اما سالها رسالت است که بر تکرار بسیاری از تاریخ نویسان  
 این انقلاب سایه افکنده " در حالیکه " بقول یکی از تاریخ نویسان روس ، سیاستمداران رهبری حزب ، میان  
 سالها ۱۹۱۷ و ۱۹۳۰ در واقع تاریخچه ۱۳ سال مبارزه کابین گرد می بود " .

این نظرات استیغنی کوکین استاد تاریخ دانشگاه پرستون در ابتدای کتاب "موروثی" : "بخاری و انقلاب انجمن"  
 است . این نوشته ، تنها یک مورد واقعیت رهبری حزب بلشویک را پیروزی آن در انقلاب انجمن نشان میدهد .  
 سوی دیگر آن بیان "دودنا" ، "بای علی" و "بی عرضگی" احزاب رقیب در پیوندی جزیه کشنده " حزب  
 بلشویک است که حتی استیغنی کوکین ، یکی از لیبرال ترین مورخان امریکایی از بیان آن در میان . هر چه از  
 ترجمه کتاب حاضر نمودن در نتیجه ای که به رویا پاسخ دادن به پرسشها را باطل است .

زودگی نیست که تنها خواندن کتاب حاضر که تاریخ مشروح انقلاب از ماه ژوئیه تا پایان ماه اکتبر ۱۹۱۷ ،  
 آنهم در شهر پیروگراد است نمی تواند پاسخگور تمام دغدغیهای پیروزی بلشویکها در این انقلاب باشد ، چرا که زمینه ساز  
 اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی انقلاب انجمن را باید در تاریخ قرن نوزدهم آن کشور و حتی پیش از آن جستجو کرد .

روید ابتدای قرن بیستم رگوری محبت مانده و بخش عظیمی از آن بدین سلسله بآبای نرود منتهی نمودند ، همچون  
 دیان از جهل و ویرانه‌ها بود . صنایع در حال رشد روید در بخش اروپایی اش ، در واقع زائده ای از  
 صنایع کوریا که پیشتر فخر غریب بودند و در اینجا همین به سرمایه‌های خارجی ( روسی ، بریتانی و بلجیسی ) دست  
 بورژوازی روسیه نیز بدین گره خوردن منافع این سرمایه‌های خارجی دینایشان باید در امور اجتماعی در روسیه  
 قشری زبون و ضعیف را تشکیل میداد . از سوره دیگر بدین وابستگی این صنایع به شرکت‌های عظیم صنعتی خارجی ، کارخانه  
 روید در چند شهر اصلی آن کشور و در درجه نخست در شهر پتروگراد و در کارخانه‌های بسیار بزرگی چون کارخانه پوتیلوف  
 متمرکز شده بودند .  
 بسیاری از روشنفکران روسی که از نیکو با علوم و تمدن غرب آشنا و از سوکال دیگر شایسته اعتبار بودند و سلطان  
 تزاری در کشور خود بودند ، بهر آنکه تا اثر ادبیات ، نظریات فلسفی و نویسندگان بزرگ و مترجم روسی چون  
 همزن و چریشفسکی قرار گرفته و از آن پس سوکال مارکسیسم روسی آوردند چه آنکه این جهان بینی به یکی نوی  
 سنی با سوکالی سواد آن‌ها بود . پیوند بین روشنفکران با طبقه کارگر و اثر گذاری همین ای دو بر هم  
 نتیجه چنین شرایطی تاریخی بود . هرگز سرمایه از نیکو و جهل و فقر و محبت مانده از سوکال دیگر رفاه طبقات در ای  
 کشور را بشکلی خیره کننده نشان میداد .



روید با آن عظمت جزئیات اش در جنب ۵-۱۹۰۴ با اثر این شکستی رسوا کننده خورد . این شکست  
 از نیکو تفاوت میان نوع سرمایه ( روسی و صنایع روسیه را با صنایع در رشد سرمایه داری در اثر این نشان میداد  
 و از سوره دیگر پرده از روی محبت مانده و بی عملی مفلج کننده روید تزاری بر می‌داشت . شکست روید در این  
 جنب نه تنها بر جامعه روسی که بر بسیاری کشورهای دیگر از جمله ایران اثرات عمیق گذاشت .

تا آزادی اجتماعی و سیاسی بشمارد که از سال ۱۹۰۰ در حال افزایش بود، پس از شکست روسیه یعنی  
 در شش مئی ۱۹۰۵ میلادی در میان روسیه و انگلیس یک تفاهتنامه امضا شد که براساس آن روسیه  
 قرون وسطی بر خاسته. کارگران روسی گرچه در حقیت بودند اما طلبه‌آمر پر جنب و جوش و نفوذ را  
 تسخیر میدادند که برپای سخن شرایط زندگی در استانبول و آن مابین امواج از بحر آزادی و محقق بوجود آورنده.  
 انقلاب ۱۹۰۵ میلادی در روسیه برابر کارگران در دانشگاه‌های آنوقت در سایر نقاط دو انقلاب پس از آن در  
 قزیه و اکتبر ۱۹۱۷ بود. انقلاب ۱۹۰۵ در عین حال بوجود آورنده نهادی بود جوش، مردی و فزونی  
 با شور (سوویت) شد که بعداً نقش تعیین کننده ای در انقلاب ۱۹۱۷ قزیه و اکتبر بازی کرد.  
 صلح استوین در ۹ صیدیان ۱۹۱۸ و آغاز جنگ جهانی قادر به حل مسائل آنوقت بودی - اجتماعی پر آشوبی  
 روسیه بودند و به همین دلیل نیز سرکوب شدید و گسترش دهکده بیس محلی تزار - افران - و حتی خند آن  
 تا بالاترین رده برای اجاب سیاسی مختلف از جمله حزب کمونیست، توانست حکومت تزاری را از سرگت دور  
 روسیه در جنگ اول جهانی - که پیش تسلط کشورهای امپریالیستی بر جهان و تقسیم آن بین خودشان بود -  
 شرکت کرد. پس روسیه از ورود در این جنگ تسلط بر قسطنطنیه (استانبول) و تسخیر بوسنوز و  
 داردانی، ایلیا گالیسی و کتبلی از ارمنستان و آزادی آن کشور، تسلط بر ترکیه و بخش‌های ایران بود.  
 اینها همه ممکن بود که در نهایت فرانس و انگلیس در قرارداد کورنتین ۱۹۰۷ و ۱۹۱۸ به دولت  
 تزاری داده بودند. بورژوازی روسیه نیز پس از جنگ محلی این به سرمایه‌دار خارجی، بدون کوچکترین  
 نقادگی در برابر تزار و بیطرفی از میدان به این خاست تا زمانی که در داد دولت تزاری از سرگت

باشند در جنگ لفظ خود بر کشورها رسیده و گسترش دهد ، بورژوازی کمونیست به برکت جنگ و روی گریختن صنایع  
 ایمن ساز می توانست سود کلانی نصیب خود کند . در <sup>عوض</sup> این دهقانان و کارگران روس بودند که می بایست  
 چنین گوشت دم و پیه بهار خایف دولت روسیه را بپردازند . در طول این جنگ ۱۸ میلیون دهقان  
 و کارگر روس از خانه و زمین خود <sup>دو کار</sup> کنده شده و به میدانهای جنگ فرستاده شدند و دستکم ۸۰۰ میلیون  
 نفر از آنان کشته و زخمی و پسر شدند و یا از گرسنگی و سرما جان دادند . در برابر این میلیونها قربانی تنها  
 در سال ۱۹۱۸ سود شرکت ن جی Riabushinsky ۷۸٪ ، شرکت Tver ۱۱۱٪ و شرکت  
 ابرامسی Kolehugin ۱۲٪ خالص بابت سود کارخانههای ایمن ساز مکتبی ماند اما اگر شرکت

که نرخ سود آنان برابر با دولت از این بود . حسن همین برسی بورژوازی روسی می باشد .

لطفاً وارده بر این ، پناه ، خطوط آهن ، و قذائف ، کارخانههای و مزارع در اثر جنگ پدید آمدن  
 بر وضع تولید عمده و دیگر مواد اولیه غذائی و صنایع آهنی آنها گشته است و از این رو کشور بکلی بی امکان بود  
 میشت . تنها در سال اول جنگ قدرت صنعتی روسیه ۵۰٪ کاهش یافته و حدود ۵۰٪ از تولیدات کشور صرف  
 جنگ می شد . کمبود مواد غذائی و دیگر مواد مورد نیاز مردم موجب گرانی سرسام آلود ارزها شد .  
 از سوزدیم کمبود مواد اولیه موجب تعطیل کارخانههای شد که آن نیز بیکاری عظیم کارگران را بدین حال  
 آورد . مجموع عوامل بالا ناراضی کارگران را شدت بخشید . کارهای پیگیر و چندین ساله سوسیالیستها  
 - در درجه اول موشکی - به سبب آن هر چه بیشتر کارگرونی انجامید .

نا آرامی و روحیه نفرت کارگران چنان بود که وایسکوف رئیس پلیس ترنر در گزارشی خود وضع

کارگردان را در سال ۱۹۱۶ در سقاییه با ۱۹۰۸ چنین بیان می‌کند: "وضع روحی منافعین حرکت را می  
 دراز پیچیده و از سر محیط (۱۹۰۸) بسیار فراتر رفته است". با حجت منتهی که تنها در دو ماه  
 اول ۱۹۱۷، ... ۵۷۵ کارگر در محاسبه‌های شرکت می‌کنند. کارگران گروهی حقیقی از جامعه را تشکیل  
 می‌دهند اما از پشتیبانی اکثریت مردم برخوردار بودند.

ناهنجی در میان سربازان (دوستانی مسلح) چنان سرگشته بود که پالئولوگ Paleologue

سیر بقایت ارتجاعی فرزند ددیو گواد، در دفتر خاطرات خود در روز ۳ آوریل ۱۹۱۷ چنین می‌نویسد:

"فصاحت در ارتش کجاست در هم فرو رفته است. هنوز ارتش مجدداً مورد امانت قرار می‌گیرند، با حسابان  
 پاره پاره و اگر کوچکترین نقادینی کنند توسط سربازان به قتل می‌رسانند. تخمین زده می‌شود که یک میلیون و

صد هزار سرباز جبهه را رها کرده و در سراسر روسیه سرگردانند. بسیاری از قطارها انباشته از این

سربازان است. آنان بر قطارها را که می‌بینند از حرکت باز می‌دارند و به بی ترتیب حدیث‌های تیراکی

ارتشی و غیر ارتشی را فریاد کرده اند. این سربازان که به هر دو راه آه می‌روند، قطارها را مورد حمله

قرار می‌دهند، سپس ولگرد قطار شده، کسافری را بیرون می‌کنند و جابجا آنها را گرفته، به راهزنی دستور

می‌دهند قطار را به آن حجتی که می‌خواهند روانه کنند. آنان با قطارهای حاصلی سرباز نیز می‌کار می‌کنند.

در این موارد سربازان ترتیب یک گوردی (مستیک) را می‌دهند، بدت یک یا دو ساعت با هم

شورت صبی می‌کنند و مسوول به این نتیجه می‌رسند که قطار را به ایستگاه اول صلی ترک آن برگردانند.

دوستانی که اکثر در فقر و دستاورد و شرایط کردن و سطله زندگی می‌کردند، بتدریج در اثر جنگ و

جایگاه عظیم و دارنده ن لطافت و اشتناک بوی و وزنی ، نسبت تاریخی و بدین ارتباط با سر بازار  
 در پیادگر جنب انگاه شده و بتدریج بمقتاد خود راه ادره جنب و تزار ( پور کوچولو ) از دست  
 دادند بطوریکه اداره ژاندارمری پروگردد در اکتبر ۱۹۱۶ چنین گزارش میدهد : " نامی ( دمقانی ) با  
 ک صبر می پرسند : این جنب یعنی بالافزه کی نام می شود ؟ پرستش را رسیدگی در چه جا میان انسان سطح  
 است و قطعه آن بمقدار زمینداران و سودگرایان می گذرانند و دستگیر ساز تا به کار حقیقت در حال شکل گیری است "

جنب کردیم آن بتدریج شدت می گیرند بطوریکه در تابستان ۱۹۱۷ <sup>زمینهای</sup> دمقانی زمینداران بزرگ ، زمیندار  
 سطحی و کلی را که نمی از ۳۰ میلیون بختار ارضی حاصلخیز روسیه را در بر می گرفت بوزن صرف می کنند .  
 بقول ترویسک : " در گذشته جنب دمقانی سفارنگ محصور کمالی بورژوازی بود . اگر بورژوازی روس  
 نیز قادر به انجام صدها ارضی بود ، کارگران در اکتبر ۱۹۱۷ نمی توانستند به قدرت برسند . شرط  
 لازم بر پایه حکومت شورائی ، درهم آمیختن جنب دمقانی با یک کارگر بود . هجوم فتنه گر اکثر را  
 باید در این وضعیت جستجو کرد "

بجاری دیگر بورژوازی روسی ( همچون بورژوازی بسیاری دیگر از کشورهای عقب مانده " جهان سوم " )  
 توان صدها ارضی را بستمون به چرخستار بسیم دمقانی را از دست داده و این قطعه تاریخی را به دست  
 کارگران انداخت . بورژوازی روسیه بر خلاف بورژوازی کشورهای اروپای غربی ، حتی قادر به برانداختن  
 استبداد تزار هم نبود .

در ۲۳ فوریه ۱۹۱۷ - این کارگران دسر بازاری ( دمقانی سطح ) بودند که با قیام عظیم خود

در پیوسته به صف ۹۰۰۰ نفره زنان کارگران حجاز در حال اعصاب بودند که سرانجام هزار را از آنقدر  
 قدرت بزرگسید . روز ۲۵ فوریه تقابلهای ۲۵۰۰۰ نفره برپا شد و در چند روز پس از آن  
 نه تنها سر بازان که قزاقانیم به صف عقب پیوستند . جنس آنچنان به سرعت آغاز شد و پیش رفت  
 که حتی بلشویک از آن عقب افتادند و برای ترتیب جنبش از رهبری پیشی گرفتند . در پیوسته ، از  
 جبهه کرینسک محض کرده و یک ( جناح راست اسی آر ) در پیرون نشویک - چا پدزه و اسکوبلف -  
 اعلام خطر کردند و با جنبش به مخالفت برخاستند .

نقش گادوما در عقبه فوریه را از آنجا میتوان دریافت که یکی از عناصر "چپ" آنها ، نیکولای  
 (Necrasov) - درست آئینه کرینسک - به سید لوسکا محض دیگر لیبرال میگوید : " باید یک دیگر دوری نظامی  
 برقرار و تمام قدرت را باید یک زنوال مورد قبول مردم بسیاریم " . بزرگوار لیبرال هر دیگر از دوک میخائیل

میخائیل چارنوزور را بگرد و رودزیا نکو ( Rodzianko ) دیگر نماینده سرشناس آنها ، بعد از  
 زبان به گلایه میگوید : " شک و تردید دوک اعظم موجب از دست رفتن فرصت مناسب است " .  
 بر آنکام دیگر دیده شده بود چرا که کارگران دسربازان عقبه ، قصر تاتار را تسخیر کرده بودند .

پس از پیروزی مردم دوما ( ممبر شورای ) که بدون هیچ مذاکتهای توسط تزار منحل شده بود ، اکنون  
 دوباره با روسی دلوز گردیم آمد . رودزیا نکو رئیس دوما با شتاب پیشنهاد ایجاد " کمیته موقتی " .  
 از نمایندگان دوما برابر گرفته قدرت کرد . در همین هنگام " کمیته اجرایی شورای کارگران دسربازان " .  
 که در همان روز ، زیر رهبری منوشکا و اسی آر انکیس شده بود قدرت را در دوما تقدیم " کمیته موقت " .

گود - برابر درک این وقایع و اینکه چگونه مردم انقلاب کردند اما قدرت به پهلوی سادگی است سلطنت طبیان  
 و پوزدوانز قسیم سه بهر است داستان را از زبان سوخائف که خود یک منشویک و از مورحن بنام  
 انقلاب است بشنوم : " مردم آذربایجان دولتی نه عهده دند تا می داشته و هیچگاه در فکر قراردادن  
 آن در مرکز جنبش بودند " او پس ادامه میدهد : " کمیته اجرائی ( شورای کارگران و سربازان ) از  
 چنان موقعیت ممتاز برخوردار بود که می توانست قدرت را به پوزدوانز بیاورد و مردم از سیردن  
 آن خوددار می کنند " . اما این مورخ بعد فاصله می افزاید : " قدرتی که می بايست جبار توار را ببرد  
 پوزدوانز بود . ما باید از این درمورد پیروی میکردیم ، در غیر این صورت تمام پیروزیها سه دست به ازیم  
 نزدی پاشیده " . و تازه سوخائف در جناح چپ منشویکها قرار داشت .  
 کارگران و سربازان ، بعد فاصله پس از انقلاب فوریه به ما هیئت خوزه پوزدوانز در بیابول استغنی  
 گویند به " با عرض " ، با ارادگی " و " دود " منشویکها و این آرزوهای پی برده بودند و عقاید آنها را  
 با فرب منشویک نمی شناختند . تنها در جریان ماه مارس از آن در پیشرفت و عمق یاب انقلاب بود که  
 ما هیئت اجزای دگر در صحف پیش روی همگان را نگار می نمود .  
 همین " دولت وقت " پراز بر خاندان حکومت تزاری مجموعه ای است از سلطنت طبیان است و ای کادگان  
 کوشش در این کابینه وزیر دادگستر بود . پوزدوانز لیبرال که توسط فرب کادگان نمایندگی می شد مقسم به  
 ادوم جنگ تا پیروزی و مخالفت با صلح استرضی دادنی هرگز استعاضی به کارگران بود . این فرب  
 که تا امروز سلطنت طلب بود پس از افتادن تزار است مردم ، یکشنبه جمهورخواه شد اما ارتباط  
 دعوای خود را به سلطنت طبیان حفظ کرد .

در مورد دستور مشورک و این آری که تنها حاضر به بیداری از بورژوازی نبودند بلکه هر امری در دستند که قدرت

در دست آنها باقی بماند .

نکته‌های شایان اهمیت اینده هنگام بازگشت یعنی به پیروگراد در اواخر ماه آوریل و طرح تمام قدرت به دست شورای است از سوی او ، شورای کارگران و سربازان زیر نفوذ و تسلط مشورک و این آری بود در واقع یعنی به این عقیده رسیدیم بود که بورژوازی روسی قادر به بر آوردن این امری در مبرم آری خواسته بر کرده کار مردم یعنی پایان دادن به جنگ و صلح است از این جهت و تنها شورای منتخب کارگران سربازان و دهقانان توانی به انجام رساندن این وظیفه را دارند و بنابراین قدرت سیاسی باید به این شورای منتقل شود . در این حال یعنی تنها راه سلامت آیند دموکراتیک حل مسائل بغایت سنگین اقتصادی - اجتماعی را در این انتقال قدرت محاسبه و انعقاد داشت که گوییم بلشویکها در شورای در اکتوبر از آن با انتقال قدرت به شورای و در شرایط گسترش آزادی دموکراتیک داخلی و توده‌ها ، بلشویکها به مبارزه سلامت آری سیاسی خود ادامه خواهند داد . در آن صورت توده کار مردم در آزادی سرایت بصمیم خواهند گرفت

چه نزدی سیاسی به بهترین شکل ضایع آنان را نمایندگی می کنند .

انعقاد عمیق دیگر یعنی این بود که چون در شرایط بغایت بحرانی کنونی ، دولت موقت قادر به حل هیچیک از مسائل جامعه نخواهد بود ، جنبش اعتراضی توده کار مردم عمیق و شدید خواهد گرفت . به همین دلیل دولت موقت به علت ناتوانی در تحقق بخشیدن به این خواسته کار مردم قدرت را به دست یک دیکتاتور دست راستی خواهد سپرد . تاریخ نشان داده است که در شرایطی به این پیچیده یا باید به توده کار مردم کمک داشت و یا در غیر آن صورت یک دیکتاتور نظامی دست راستی بعنوان "مردمزدمنه" وظیفه ایجاب "نظم و قانون" یا بدین معنی وظیفه

سرکوب جنبش آردوهر را به عهده خواهد گرفت . در صورت اول مسئله به نفع مردم حل خواهد شد در حالت دوم  
به نفع طبقات برجسته و بغیر مردم تمام می شود .

این نظرات یعنی در آینده تنها با مخالفت سید موشوکیه و اس آرا در برودند بلکه او برار قبوله ندر  
این نظرات به استاین و کامنف که گردانندگان پرودا ، ارگان رسمی حزب بودند مجبور شد دست به یک مبارزه

ایر و کورویک بحد جا بیند بزنند .

حزب سرانجام در کنفرانسی اورال آوری خود شعار "تمام قدرت به دست شوراه" را به تعویب رساند . طرح

شعار صلح ، نان و زمین و انتقال قدرت به شوراهای لیکن گسترده ای مورد استقبال مردم قرار گرفت بطوریکه  
در تقویمات ۵۰۰ هزار نفر ۱۸ روزی که از سوره کعبه اجراء فرخوانده شده بود ، قدرت و نفوذ موشوکیا

بویچمان استعاره . موشوکیا در رأس جری اتحاد است نایب نمایان دوامی شهر پرودا گردا نیز شرکت کردند و

در اینجا نیز پیروزی کار بزرگی بدست آوردند . حتی پالوئوگ یغوزانس در پرودا نیز که تنها حید

روز پیشی گزارشی داده بود : " یعنی در کنگره اول با شکست نایب نمایان را دور کرد " در تاریخ ۲۱

آوریل در کنگره یاد داشت خود می نویسد : " نفوذ یعنی در چند روز گذشته بطور محفمی افزایش یافته است "

نشانه دیگر ادعای محبوبیت موشوکیا « این ماجرا ، افزایش شمار شهره پردازان است که به حزب می پیوندند

گروه سفار کوزار غربا و بیشتر خبر نگاران مطبوعات حزب ، گوئی تمام قوا را خود را روی یعنی مرکز کرده

بودند ، اما استدلالت یعنی از جبهه روس در تقیات میدان جنگ نشئت میگرفت .

شکست فاجعه بار ارتش روس در یورش ماه ژوئن از سوی ارتش را بسوزاند می بود و در کورام  
بیکاری و نبود مواد غذائی را شدت می بخشید . به موازات آن اتحادی مردم و گراشی آنها به موشوکیا گسترش

می‌بایست. بوشه و انزروس با همکاری از محلی این ناب مانیا و رادیکال شدن جامعه و کمپوزر گسترش نفوذ بلشویکی  
 بوخته افتاد و با استفاده از خطرات <sup>تاریخی</sup> جنبش نظامی و مادی رادیکال جنب در دست زدن به یک قیام پیش روی  
 در روزهای نخست ماه ژوئیه، یورش مجدد جانبدار علیه بلشویکی آغاز کرد. یعنی در پی رهبران جنب به  
 جاسوسی برادر آلمان و گرفتن پولیس کلان از آن کشور مهم، و تبلیغات وسیع دیگر جانبدار علیه آنان  
 آغاز شد. یعنی در میوه‌های صحنی شدند و بسیار از سران جنب از عهد ارتعاب به زندان افتادند.  
 اما از آنجا که در بعضی بودن این اتهامات آشکار شد و از سوراخ آرتس رادیکالیزه شده و کنترل جنب  
 وسیعی از آن از دست قدرت به درخته بود، این سرکوب بجای نرسید و بمبار بلشویکی دوباره اوج گرفت.  
 منویکا و آل آر که هنوز بر شورای تسلط داشته در این سرکوب ادوایی ماه ژوئیه نقش موثر بازی کردند.  
 از این رو یعنی به این نتیجه رسید که در شرایط موجود شعار "تمام قدرت به شورای" باید کنار گذاشته شود  
 و طحاک سلسله معاد که در صحنی گناه خود در فتنه نوشت کوکشر همه جانبدار برابر کنار گذاشتن معارضه بکار بود.  
 این نظر یعنی گرچه مورد قبول جنب شد و جنب قرار گرفت اما اکثریت رهبرها و محضار جنب به آن تن  
 در ندادند و یعنی در پیشبرد این نوا خواهد موفقی نباشد.

پس از شکست آرتس روس در ماه ژوئن، کوشش که اکنون فتنه کل بود در نزال بود سلیف را از  
 فنامذی سعاد آرتس و آرتس برکنار و نزال کرسلیف نمی از از ارضی تری دست رانها آرتس را بکار  
 انداختند. ارتجاع روس، ترکیب از سرمایه داران بزرگ، اشرافیت زمیندار و پسران ارشد آرتس  
 که از گسترش و محو گیر انتداب و نفوذ بلشویکی به شدت وحشت زده شده بودند مصمم به خرد کردن نفوذ  
 و از میان بردن تمامی دست آوردان انتداب قزیه می شوند. قریح فال برابر انجام این کار بنام

ژنرال کرسفیلد می آید .

ژنرال کرسفیلد پیر از فراوان کردن تدارکات اولیه ، در او فریاد او است ، با هیچ جنبه از ارتش به قصد تسخیر  
پروگراد به راه می افتد . شواهد تاریخی نشان می دهد که همیشه حاکم انگلیس در فرانسه نه تنها با پیاده  
شدن چنین برنامه ارتش کمالی در مسئله همه از پیشگوییهای کج به کج کرسفیلد خود را درنگ کرده .

بقول رونالد مکدونالد مورخ انگلیسی " نمایندگی مخصوص نظامی انگلیس در پروگراد ، بابت لاکتات که

موقع مناسبی برابر رستن حقایق پشت پرده داشته در خاطرات خود می نویسد : " تدویر منتهی که فسران انگلیسی  
در دستور حاضر در جهاد روسیه هیچ کارر برابر با خود داشتند که کرسفیلد از خود تا نکرده چرا که فکر میکردند این کار نظم  
و قانون را به روسیه بر خواهد گرداند و چه چیز امید فراوان داشته که این عمل کرسفیلد موفق شود "

رونالد مکدونالد اسپین ادو میگوید : " نه سیرنگ انگلیس Sir Goerge Buchanan و نه ژنرال ناگس (Knox)

وایس نظامی انگلیس در پروگراد در باره عهد کرسفیلد به پروگراد اظهار نداشتند . بقول مکدونالد نظر انگلیس  
در باره ادو صانع روسیه با این نوشته تا بحر کتدن مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۷ سلطنت داشته است : " باید به کتیده

دکشت ، به این شورا در شرم آور کارگردانی و سر با زدن با سینه و بار پایان داد . باید به این گفته آنان در  
باره ناگس آباد ... پایان داد "

روزنامه نوایا ژنی معتقد به ماکسیم گورکی چند صد پیر از شکست کودتا نوشت : " برخی از روزنامه دار  
بورژوازی در انگلیس و فرانسه از طغیان کرسفیلد با ستائش یاد می کنند . کرسفیلد در کتاب خود بنام فاجعه  
( The Catastroph ) از آن هم فراتر رفته و می نویسد : " کتابچه کوچکی که زیر عنوان " کرسفیلد

فرمان می " در سکو محقق شده به خرج اداره وایس نظامی انگلیس در پروگراد و توسط آنها چاپ شده بود .

داده و این ترنوال تا کس واسطه نظامی انگلیس از پرتو گرادی به مسکو حمل شده است

لویه جرح سخت و زبر انگلیس در کتاب خود درباره سند کورنیف در طرح آن در مجلس عوام میگوید :

« گرچه دفاعت دولت انگلیس در اوضاع روسیه بدون مستم شدن آن دولت به طاعت اری از ترنوال کورنیف

ملکلی بود اما بواسطه ضعف متفقین و پیشبرد امر دموکراسی و کوشش در بهبود اوضاع ، دست زدن به چنین

کار از اوجیت سیاسی برخوردار بود . »

ظفر روزگار ( دیالکتیک حرکت تاریخ ) میگوید این کودتا نه تنها ضربه سنگینی بر ارتجاع روس دارد بلکه

بفقدان راینز معنی بخشید . نشوونما و این امر را که هنوز بر شوراهای سلطه داشته ، چون امی خود را در حفظ

میدین برابر روپارون با کورنیف به بلژونیکا پیوستند . اما ایشان به اقرار خودشان بدون کارگران

دسوزانک <sup>۱</sup> سده نامهای شده از تصور بلژونیکا کاری از دستشان رفته نبود . کورنیف که در تمام طول این کودتا

نقشی در پیوسته و مشوک با اثر کرده بود ، منزه بر سنگینی بر اعتبارش جزو . از تصور دیگر بلژونیکا با نقشی

مؤثرتر که در مبارزه با این کودتا با اثر کرده ، اعتبارشان با زخمی لاج بیشتر گرفت . بقول کلدرک :

« با مست شدن لنین در فکر به اکتامیا توسط کورنیف شکست کماش کودتا ، مردم که تا آن زمان دچار

توقیر بودند ، مخالفت با اکتامیا که داشته از هزار هزار به حالت از بلژونیکا برخاستند چنانکه آنان

را بزرگترین مانع بر سر راه پیروزی ضد انقلاب میدانند . شمار بجزایر حزب که در آوریل ۱۹۱۷ ۸۶۰۰۰۰

بود در ماه اوت به ۲۴۰۰۰۰ افزایش یافت .

آنچه در جوانی این کودتا امی تعیین کننده پیدا کرد ، مسلح شدن کارگران و وجود امی گارد

سرخ بود . پس از کودتا کورنیف ، کورنیف به دست کوسید تا کارگران را خلع سلاح کند اما نه تنها

در این کار موفق نشد بعد با قیاده محبت راجه را نزد لوده هر مردم از میان برد .

شکست این خودی که با کمک شورا و با همکاری تمام موسساتی که به سرانجام رسید یعنی را در میآورد دوباره به شعار " تمام قدرت به شورا " برگردد و در این موقع است که مقاله " درباره سازش " را می نویسد .  
در اینجا باز هم اعتقاد او بر این است که اگر قدرت به شورا منتقل شود در این ترتیب دولت اقتدار از تمام موسساتی تشکیل شود بودی از راه سلامت آید و در چارچوب شورا مبارزه سیاسی کرد و چنین شش ای تنها راه جلوگیری از یک جنبه داعی خواهد بود . اما جنبه راست نشوینکد اس آراء باز هم بر همکاری خود با پروردگار پافشاری کرده .

" راه سپاه مردم تنها ایسای روی داد . شکست اینکه بیشتر در توانا پروردگار و مسکو کم است است آورده .  
هم آنچه بر این سیاست و روش از جوانان و دود تا هر دهری نشوینکد اس آراء در این آنها شکاف افتاد و در هر جنبه جنب وجود آمد . از سوره دیگر با سکه آلمان تا بر رگ و امکان همکاری در کتاب روی با آلمان برابر تغییر پروردگار و سرکوب بفتاب ، در نتیجه هم سپاه ، یعنی باز نشوینکد چهار مقاله هم ، " تا یکسیم و پنجم " ، " بیشتر یک باید قدرت را دست گیرند " ، " آیا بیشتر می توانند قدرت عملی را نگهدارند " و " بحران به اوج میرسد " نظرات خود را درباره ادغام موجود ، دموکراسی توده ای ، لزوم قیام و حفاظت سهل انگاری در این کار و اهمیت دولت رفعت و موسساتی که میباید در بطور موطن شرح میدهد و از کمیته مرکزی میخواهد که مسئله قیام را در دستور کار خود قرار دهد .

کمیته مرکزی حزب اسکا را از لنین مخاطب تر است و نه تنها از چاپ مقاله است بلکه خود در ای می گفته بعد " نامه از دور " یعنی را می سوزاند و تنها یک نسخه از آن بطور افتخار باقی میماند .

با وجود ختلف در کمیته مرکز مخالفت سرکامنه کاسنف و زینویف با قیام ، کمیته مرکز در شب ۱۰ اکتبر  
 قرار دادی قیام را در دستور کار خود با اکثریت به تصویب رساند . کاسنف و زینویف در لایحه مخالفت خود را نه تنها  
 به اطلاع حضرات رسانده بلکه در روزنامه نوایا اثری که روزنامه حزبی بود بجا پیچید رساند . آن دو با وجود  
 صحت مخالفت سرکامنه در بیان نشت شب ۱۰ اکتبر به خصوصیت هیئت مسکا ای که مسوالت قیام را باید از بیم  
 گنه انتخاب شده . پس از چاپ مفاد مخالفت خود در ضمن کردن برنامه حزب ، یعنی خواندن اعزاز آن دو  
 از کمیته مرکز شده ، اما این پیشنهاد در اثر مخالفت اکثریت به حضور کمیته مرکز رد شده .

رویدادها در روز ۲۱ تا ۲۶ اکتبر و پرودور انتخاب در پرودورگراد که بطور مضمض در کتاب حاضر شرح داده شده اند ،  
 صحت نظرات یعنی را از نظر واقع به اثبات رساند . چنانگونه که انگلند را بیسویچ نشان میدهم ، بشوشکا  
 از جانب ایدئارنگر ، هم نمایندگان شوراهای کارگران در سربازان کوشیده با بشوشکا و یکی آریا بر پایه  
 تار نمایندگان ایدئارنگر از اجزای شرکت گشته . در کنگره دولت مصلحت بوجود آورده اما آنان از این کار  
 سرباز زدند و کنگره را ترک کردند . دست آورد کار بلده فاصله انتخاب اکثر را میتوان بطور خلاصه چنین برنگرد :

- ۱- زمان صبح که مردم توی حیاط اکثریت قریب با قنای داده مار مردم بود و دیگر کس کار نگرد ، و
- دقیقاً آن روسی پایان میداد و سخن قدم در راه ترمیم اقتصاد نابود شده و فرد پاشیده روید بود .
- ۲- فرمای زمین و صدها استی که پرس از میان بودن روابط قرون وسطی در جستار عظیمی از خاک  
 روسیه در آن دهقانان از حد بقایار نیز روند مناسبه خود را در آن کشور بود .
- ۳- استقلال فزونی ، استونی ، لیتوانی ، لیتوانی و لهستان که در دستار برنامه بشوشکا در مورد حق تعیین

سرزشت عمل بود .

۴- افتخار تمامی اسکاکی ستم شاه و قتل و دزدان را برابر میان روسیه و کشورها مسخره و بیخ مسخره ( از عهد ایران )

۵- لغو جوامع و گروه ها در صحت اعتبار

۶- لغو کلیه کتابت ها ، اعیان و معنوی ایرانی ؛ لغو اعیان و سلسله مراتب نوع که در در ارتش

۷- زنان از دواج مرفی

۸- زنان آزادی کودکان و شبته مرفی از دواج که به زنان محلی مصادی با مردان میداد .

۹- جدائی دولت از کلیسا

۱۰- جدائی مدرسه از کلیسا

۱۱- آزادی کامل نهیب ( یا نهیبی )

۱۲- افتخار تمامی دام ها خارجی دولت که کشور را از حالت بیک کشور بیخ مسخره و وابسته کتابت میداد .

۱۳- خشاء بیکه قراردادها را بنیانه بین تزار و کشور را بر پایه ایستی بتر ( این اقدام را باید در پروتوگامی

بر این سلسله در نظر بگیریم که کشور را در پای و اداریک با وجود ادعای دموکراسی در آنها قادر به پذیر قراردادها در

سیونیا مصمم گیر بنیانه دیگر مستند بیکه جرأت فشار انارادیم ندادند .

۱۴- و از بعد همتر ، تبدیل محبتی ارتکارگران و دهقانان روسی از مادون انسان به انسان .

بقول استیغن کوهی " اهمیت روانی ارتکار کارگران و دهقانان فقیر روسی به درجه هرگز کمتر که نتیجی ایدوکرار

عبودیتها بود ، بطور کلی قابل اندازه گیری نیست . راه یقینی کارگران و دهقانان به عبودیت و تارکها در صفات

با شکره که زمان تنها به طبقات متوسط و بالا در صحت همسر دشتت همه در عهد به ارتقا مقام اجتماعی و

بسیار ازاد معنی نگار کرد .

اقدامات با هم پیوسته اند و در این اقدامات و نیزه موسساتی منتهی به همانا از ادیکال و بورژوازی - دموکراتیک آن  
اما نه بورژوازی روسی و نه منشیها در این آرمان دولت موقت قادر به انجام آنها بودند چرا که مابیت طبقات  
سخت عنصر در نیم استخوان آنها در سرش از رنجی اینترنشنال بورژوازی و هم لغت فرانسه و انگلیس و  
امریکا آنها را از انجام این اقدامات باز میداشت .

این اقدامات از سوریه و ترکیه در حقیقت درست انجام شدند و به همین دلیل اکثریت قاطع مردم در طول مابیت  
اولی به حساب به حساب از بلشویکیها بر عا سینه . از ماه نوامبر ۱۹۱۷ تا ژوئیه ۱۹۱۸ نفوذ بلشویکی در میدان  
کودک بطور موزونی و همه جانبه ای افزایش یافت . در حالیکه در این دوره نه تنها محبوبیت منشیها بلکه این آرمان  
بیش کاملاً یافت . نمود بارز این واقعیت را عنوان "رژه پیروزمند" شورای در سرود شور و پیروزی سریع  
دکتر یا تپردی خونریز حکومت شورای در تمامی نقاط عمده فکرو رویدادها شد کرد . بقول روی معروف :

" این امر خود بهترین دلیل اثبات به موع بودن انقلاب است ، از آنجا که تنها فکرو حکومت شورای گسترده تر  
شد بلکه هم چنین بطور عمیق تبلیغات و تحریکات در جوانان مخالفان حکومت شورای و نفس کرده مغربان  
و انقلاب در مقصد زیر زمین برار "تجات نام وطن" و بطور عمیق و طرد کار معتقد برار بر پا کردن قیام کار  
ضد حکومت ، پایگاه اجتماعی حکومت شورای در ادکین هفتاد و نه ماه کار بسیار انقلاب بطور فزاینده ارتقا یافت "

اما آیا دشمنان داخلی و خارجی در برابر پیروزی بلشویکیها متوانسته است بنشینند ؟ مسلماً خیر !  
بلشویکیها و زلسورهای پیش از آن <sup>برای</sup> جوهری از پیروزی بلشویکیها تمام گوشه نشینان خود را بکار برده بودند .  
از جهت روانه کله که از قول سارست موامم نویسنده معروف نقل قول می کند که این نویسنده ( خود یکی  
از اولین جاسوسان بود که در ماه مارچ از انگلیس با استوانه نام محمودی از سوریه است انگلیس به پیروگراد

فرستاده شد تا از پروردگار بخواهد قبول فرماید . سر اسمه هوارد ( Sir Esme Howard ) سفیر انگلیس در سوئد نیز در ماه آوریل تمام کوشش خود را بکار برد تا از مجور سفیر از خاک سوئد جلوگیری کند ، چنانگونه که در نیم در ماه پس از آن به توفیق دست یافتند . آنان کودتای کرستف صورت گرفت . تا پس از پروردگار انتقام هنوز بگزاریم بفرمان خداوند در دست است که کوشش خود را در این باره فرستادن بفرستد وجود داشته چنانکه اکنون بشود که با شکست سنگین دعا و حاجت رو بود بودند .

چنانگونه که مشهور است که در روس خزانگان پادشاهان در جنگ بودند و خوب بشود که نعمت قطعی به محل کردن این خواسته مردم داشت . بشود که از ابتدای جنگ خزانگان آتش بس خوار بیان صلح بین ایتالیا بدون پرداخت غرامت و بدون امان سرزمین را درگیری بودند . این خواسته بشود که با مخالفت شدید دولت کار انگلیس در فرانسه رو بود بود . در انگلیس نه تنها خوب مخالف کار صلح کارگر نیز به پروردگار

از سویستار بین اهل هم به حالت از دولت خود در جنگ بر حاکمان و اکنون هم مخالف بیان صلح میباشند . بین روسیه و آلمان بود . رانر مک دونالد ( R. McDonald ) رهبر حزب کارگر انگلیس به کرنه مخالف بود : « صلح طبیعی ( یا صلح ) به تنها چیزی است که صلح خواهد بود . صلح جداگانه بین روس و آلمان ، اروپا در بعضی صدمه پذیرد و از اکنون ، در دست شیطان صفای خواهد گذاشت . » این دیدگاه مک دونالد تنها بصورت حرف با آن زمانه بعد او با کرنه دیدار کرد و او را از سخن <sup>بیان</sup> صلح جداگانه بر حذر داشت . مک دونالد

در باره دیدار خود با کرنه میگوید : " نهایت کوشش خود را خواهم کرد تا از انجام چنین فرار دادی جلوگیری کنم " .

آلمان ، انتقام را بطور موقت از حفظ نمودی بخت میداد . تا این بیان موقت در پایانی ماه فوریه ۱۹۱۸

به میرسد و لغوی جدید آلمان میوانست تسخیر پروگرواد داد صان رفیع کل نقشب را در پی داشته باشد . بهر حال  
 امید داشتند که اگر مذاکرات صلح با آلمان را به درازا کشند ، نقشب در آلمان صورت خواهد گرفت .  
 اما با پایان گرفتن ماه فوریه این امیدها رنگ باخت و مسدود قسیم گیر در باره صلح تبدیل به مستلزمی حیات  
 شد چرا که آلمان در جهت شرق دست به لغو زدن و لذا اینجا که آلمان در صلح به هیچ رو توان درازا  
 با آلمان را نداشته امکان تسخیر پروگرواد از سور آلمان هم روز میر می کشد . برین ترتیب در اواخر فوریه

۱۹۱۸ دوره برابر میجوینا و کفر لغی باقی مانده بود :

پنت : با آلمان قرارداد بنفوذ و جنگ ادامه پیدا کند . در انصورت قول خود به مردم را زیر پا می گذارند  
 که اثرات سیاسی آن برایت میهن از اثرات سیاسی منفی بپسین قرار داد بود و در آن صورت امکان شوخی در  
 شرق و بیرون رفیع کنترل از دست دولت جدید دستفاده دشمنان نقشب از این وضع دنا بودی کل نقشب  
 را بوجود می آورد . از سور درم بنادن صحتی پروگرواد دست آلمان نیز به ننگ این دشمنی ، بار سه کوب  
 نقشب می آمد .

ب - راه هم عبارت از بپسین قرارداد و قبول پیاده و نتایج آن بود . در واقع اگر مینوع سیاسی لغی و  
 پایداری او در دفاع از این قرار داد نبود ، امکان نابودی نقشب بسیار زیاد بود . او تمام پیاده را بپسین قرارداد  
 را قبول کرد چرا که آنها را حقوقی کمتر از او مید جنگ میرید .  
 لغی به در دلی به بپسین قرارداد همراهی در زیر :

(۱) - هنوز امید داشت که نقشب در اروپا دیا دستکم در آلمان بوجوع میونزد و در نتیجه قرارداد به لغت  
 پایه ای تبدیلی شود . یکی از مصوبات کسبه مرکزتر که به اطلاع آوردنک مانده شوروی در مذاکرات رسید ، به درازا

کشیدن نذاکره با آلمان به امید وقوع انقلاب در آلمان بود . تردید نیز تا حدی موقتی به این نگار شد ، اما آلمان از این وضعیت در امید بیشتر گویا آگاه بودند و بنا بر این فرصت زیادی برای گس دادن مذاکرات به آلمان ندادند و بلافاصله پس از دوره موقت آلمان بسی توأم خود را آغاز کردند .

۲- لنین طی آن دست که آلمان سرانجام در جهت شکست خواهم خورد در این شکست نیز قرار داد را به درق پاره ای تبدیل خواهد کرد . امید بیشتر گویا به انقلاب در آلمان تکیه تمام داشت و آلمان زرف را زمانی غیر قابل مقاومت آلمان نامجو شده اند به قرار دادی بجاست سفین تن در دهنه .

لنین انتظار داشت که با بستن قرار داد برست لیونفک در محرم شدن آن ( یعنی با جلوگیری از گسسه شدن خانواده تزار برابر چهارم از چشم آلمان ) خواهد توانست فشار تسفنی بر انقلاب بوجود آورد تا فرصت بازسازی وضع اقتصادی را پیدا کند . این سیاست نه تنها درست و بهتری منافع انقلاب را در بر می گرفت بلکه از نظر سیاسی سودمند یک شاهکار باشد . اما آنچه روی داد دقیقاً آنچه بود که لنین انتظارش را نداشته ، یعنی نه تنها انقلاب در کشور اردو پانچ پرویزنه بلکه از نظر درونی به لنین پیامداری سیاسی بستن این قرار داد و یک سلسله رویدادها در دیر که بر چرخ

از آلمان نتیجه اشتباهات بیشتر گویا بود ، فشار تسفنی مورد نظر بیشتر گویا اینجا بود وجود نیامد و از اواسط سال ۱۹۱۸ کشور شورویت در وضع خاتمان برآمده از سر رفت که چیزی انقلاب را چه از جهت ماهیت ( سوسیالیستی بودن آن ) و چه از نظر پیامد آن چهار سال پس از آن یکی دیگرگون کرد . بعبارتی که لنین برابر امضا قرار داد برست لیونفک پرورخت بسیار فراتر از آن مبارز سنگینی بود که او در باره اش فکر کرده و پذیرفته بود و

به رضی این بها بر با صیاده زندگی او سایه انداخت . در اینجا بر چرخ از پیامداری واضح بستن این قرار داد را نام میبریم :  
۱- ایجاد اختلاف در میان مردم ؛ دستکم منی از مردم بخصوص دهقانان مرفه ، خوزه بورژوازی شهر ، تمام

بورش و از سر و جنبش قاهر توجیهی از دستانان متوسط مخالف بسنجی قرارداد می به این سنگینی با آلمان بود و حتی  
سپه پرستی، نوبت آلمان نسبت به آلمان و نتایج تحقیر آمیز و مصیبت بار این قرارداد داد مردم را نسبت ناراحت  
و عصبانیت میکرد. گروهی کمیته اجرائی شوراهای دکتره شوراهای هر چه با انگریست، قرارداد صلح را به تصویب رساندند اما  
اعتیاد قایل توجیهی را در مخالف به آن داده بودند.

۲- تفاوت میان بلشویکها و ایس آر های چپ: پس از اینکه ایس آر های راست و منشویکها کنگره دوم شوراهای  
را ترک کردند، اتحاد میان بلشویکها و ایس آر های چپ یکی از پایه های مقبولیت دولت جدید و کفایت معنی بود. این  
اتحاد زیر فشار قرارداد برست لیوفسک فرو ریخت و ایس آر های چپ از دولت استعفا دادند و پس از آن بی مخالفت  
فعال با بلشویکها پرداختند بطوریکه نه تنها میر باخ سفیر آلمان را ترور کردند بلکه چند نفر از رهبران با اهل بلشویکها  
را به قتل رساندند و با قصد کشتن معنی هر کس که به سینه و پهلوی او شلیک کردند. آلمان نه تنها قصد نابودی سران  
بلشویک را داشته بلکه از آن <sup>هم تم</sup> سیاسات سیاسی شان در مخالفت فعال با دولت جدید از چهار ستونهای برپا نگه داشتند.

۳- تفاوت در میان خود بلشویکها: مخالفت "عمومیتها چپ" به رهبری شخصیت آن چون تروتسکی، بوضاحت  
را در یک با بسنجی قرارداد برست لیوفسک، هزینه آن کفایت بر حزب و کفایت معنی میرز. بقول تروتسکیا، معنی شتاب  
از در درون مخالفت با نزدیک ترین یا در آن معنی توانست بخوابد. اثرات سیاسی این مخالفت با این اختلاف  
را بر حزب و دولت دکتور معنی توانی دست کم گرفت.

۴- مخالفت بسیاری از نویسندگان، اینهمه آن و جز در شناسی دولت بلشویکها با این قرارداد :

بطور مثال ماکسیم گورکی از طریق روزنامه اش نوایا ترین بطور فعال در سر کشاند ای با قرارداد بر مخالفت  
برخاست و کفایت معنی و حزب بلشویک را مورد حمله شدید قرار داد تا جاییکه دولت مجبور شد آن روزنامه را

بیت ۸ روز توقیف کند .

۵- تمام این عوامل بعلوه فشار اقتصادی ، مخالفت مستقیم و وضع فرد پاشیده اقتصادی در سطح سیاسی ، دست را برابر حفظ بقدرت مجبور کرد دست چپا ( Cheka ) را آزاد نگذازد تا معینه کوهه گران ضل شود . آزادی گنده پیش چپا ( کارگب بعدی ) اثرات سیاسی بعد خود را برادر بقدرت مردم گنداشت در این مسله در واقع آنچه بود که دشمنان بقدرت در خارج و بویژه دولت مارکسیست و خزاننده دارمکی خزانان آن بودند ، تا رژیم جدید را در می دیکتاتور عبوه دهند و از این طریق فشار خود بر دولت جدید را از میان موقع مشروع عبوه دهند . از این جهت که فشار خارجی نیز عبوده بر فشار داخلی فشار تنفسی بقدرت را بازم سنگ تو کرد .

از اینجا که مستقیم بباطل لغو <sup>دولت</sup> قرارداد کار خود و در نتیجه وقت آزاد سرمایه گاشان در روسیه بقدرت زخم برداشته و گینه ای عمیق نسبت به دولت جدید پیدا کرده بودند ، اکنون که قرارداد صلح روسیه و آلمان موجب آزادی گاشان از دست آلمان از جهت شرق و خزاننده فشار آلمان بر بیزد مارکسیستین در جهت غرب شده بود ، دشمنی آلمان با رژیم عمیق تر گرفت . نتیجه اینکه خاک روسیه از شمال ، جنوب ، شرق و غرب مورد تهاجم ارتش مارکسیستین ، فرانسه ، امریکا و ژاپنی قرار گرفت .

چرچیل در ۳ نوامبر ۱۹۱۸ به ناموری انگلیسی در آرخانگلی و ولادوستک چنین دستور میدهد :  
" به هیئت مورمانسک و آرخانگلی ادره میدی ، ناموریت سیریه را دنبال کنید ، لشکر چپک را دادار کنید در غرب سیریه با آنجا بماند و راه آرمینیا کو - باقوم را اشغال کنید و به شترزول دنیکی تمام گنگه کار لازم را برسانند و به گنگه کار با شیک گنگه لغای برزند " . در همین زمان پارلمان انگلیس گنگه مانی نامحوددی را برای شترزول کالری تقویب کرد . انگلیس از جنوب نیز از راه ماوراء قفقاز ( لشکر دستوری ) بر سر تقویب منابع نفتی قفقاز مبارک روسیه حمله کردند . فرانسویان از جنوب و ژاپنی و امریکاییان نیز از سوس شرقی این کشور را

نورده قرار دادند -

بهین ترتیب نقیب اکثر ، یک از دون دیم از بیرون زیر ضربات شعله قرار گرفت . تا جاییکه نزد کار دشمن تا  
۳۰ مای مسکو پیش رفت کردند و کار به اینجا کشید که حتی خود لیبونکا نیز کامیابین امید به جفا و ادب حکومت خود  
را از دست میدهد . اما آیا این ضربات سنگین بر امته نقیب ، تنها در اثر عوامل خارجی بوجود آمده بود ؟ تاریخ  
تشان میدهد که عوامل داخلی زمیندار مساعدهی بار درخاست خارجی و موفقیت کار اولیه این تجاوزات بوجود آورده  
بود و شکست نهایی آنها نیز دلالتی واضحی است . در اینجا لازم است به برخی از این عوامل اشاره کنیم .

میدانیم که در بحث طولانی و دشواری که در نشست خطاری یکم مرکز حزب کمونیست در شب تاریخی ۱۱ اکتبر ۱۹۱۷  
ببار قرار دادن قیام در دستور کار حزب ، این سخنویان اصح موافق مخالف این تصمیم یعنی لغو از نسف و کاسف  
و زینویف از سوردوگر در گرفت در مسند اصح مطرح شد : یکی مسند داخلی و دیگری عاملی خارجی . بحث زینویف  
و کاسف در برابر لغو این بود که نزدیک طرفدار حزب ، توان روی آوردن با نزدیک دولتها و ارتجاع داخلی را ندارند .  
دیگر آنکه وقوع نقیب در اردیبار غرضی غیر محصل است . تاریخ ثابت کرد که گرچه پیش بین آن دو از نظر داخلی  
نا درست بود اما از نظر خارجی نظرشان محکم صحت خورد . تا آنچه مسلم است آن است که تمامی سران  
حزب کمونیست و بخصوص نظریه پردازان اصح این لغو ، تردید و جوخه های بر سر سینه طلب آشنای نظر داشتند .  
و آن این بود که پروژه های نهایی سوسیالیسم در روسیه ، در گرد دو اصل اساسی قرار دارد :

- ۱- حمایت و ستان از طبقه کارگر و پیوند دراز مدت این دو طبقه در برابر ارتجاع داخلی
  - ۲- وقوع نقیب سوسیالیستی در کشور سرمایه داری اروپا یا دستکم در آلمان ، اتریش و مجارستان و
- حمایت دولت کارگر آن کشور از نقیب روسیه .
- تاریخ نشان داد که شرط اول ، گرچه در ابتدا نقیب تحقق یافت اما از اواسط ۱۹۱۸ بدو لغت که

بطور مختصر در زیر گفته خواهد شد ، در آن سگاف بنیاد دسر انجام بر یک درگیر مجرب بنام کارگران دهمقان انجامید .  
شرط مهم نیز ( بنقوب در اردی ) گریه در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۱ به تحقیق نزدیک شد تا سر انجام به شکست انجامید .  
در این مورد باید توضیح بیشتری داد .

لین با وجود که از دوران کودکی با وضع دهمقان روس آشنائی نزدیک داشت و مطالعه منظم دستنماهای خود را در  
باره وضع دهمقان از دوران جوانی برابر نوسون کتاب قطور " رشد سرمایه داری در روسیه " آغاز کرده بود ،  
اما به عنوان یک مارکسیست اروپائی ، کار و فعالیت خود را قویاً بطور کامل وقف کارگرنی کرد . بی سینه نه تنها  
در مورد مختصر او بلکه در مورد فعالیت های تمام بشوینکا حدوداً سه دهه ای که نزدیکاً به سی سال دو کارکنان  
روسیه در بحث و جوشان با فارودینکا چنین گریه های را می طلبید .

رضن اصلاً بر این بود که طبقه کارگر گریه اقلیت کوچکی از جمعیت روسیه را تشکیل میدهد اما طبقه یعنی گفته  
و رهبر گفته بنقد است و با قدرت گیری این طبقه و پیروان آنها در روسیه <sup>دهمقان</sup> رهبر طبقه کارگر را خواهند پذیرفت  
به دیگر سخن از آنجا که هم در مرحله دموکراتیک و هم در مرحله سوسیالیستی بنقد ، منافع دهمقان با منافع کارگران  
گروه می خورد ، بنابراین پیوند بین این دو طبقه تضمین شده است . لین گریه دستکم از زمان نوسون کتاب  
" دیکتاتور ... " به نقشی دهمقان در <sup>بنقد</sup> جمعیت فراوانی میداد ، تا گوی که دست زدن به کار سوسیالی در میان  
دهمقان برابر ادو و دیگر سوسیال دموکراتها روسی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است . اکنون با  
نگاهی به گذشته دیده گیریم از تجربه تاریخی استعمار استواری گفت که در روسیه ، کشوری با سه میلیون کارگر  
صنعتی و صد میلیون دهمقان تنها یک <sup>بنقد</sup> زمان <sup>بنقد</sup> اصلاحات ارضی می توانست قبول رهبر کارگران از سوسور دهمقان  
را تضمین کند .

در تمام سال های پیش از بنقد یکی از خواسته های مهم دهمقان <sup>بنقد</sup> تقسیم زمین

میان دهستان فقر و ستم‌خیز بود و تنها نقطه بهتر توانست به این خواست پاسخ گوید و دهستان را از قید ستم‌گرا براند.  
 دهستان پس از انعقاد و گرفتن زمین (که در واقع اجاره بر نام اداری است) اگر بود تنها روی کاغذ مانده بود، انتظار  
 نبود زندگی خود را داشته و طبیعی بود چنین انتظاری بر اعتماد مجدد و دور از ذهن آنان در ملک به نقطه ستم‌خیز  
 و از ادولت بالاتر بر خوددار باشد. در نقطه بهتر مانند دهستان از اعتبار جنگ و دادن قطعه‌ای زمین به آنان بود.  
 حال که دهستان به این آرزوی خود رسیده بودند، دولت جدید از آنان انتظار داشتند عذرخواهی را فراموش سازند و آنرا  
 آن را از قحطی و گرسنگی بپوشانند. از سوراخ دیگر ستم‌خیزان یکی از قول‌های بود که بیشتر می‌گفتند به مردم ستم‌گرا داده بودند و  
 اکنون می‌بایست با آن دست و پنجه نرم کنند. دولت تزاری با کندن میون دهستان از زمین و فرستادن آنها به  
 جبهه، کمبود ارزاق را بوجود آورده بود و دولت موقت نیز همان سیاست را دنبال کرد. اکنون بیشتر می‌گفتند می‌بایست  
 بهار آرزوی پرداختند. اما علاوه بر آن تقسیم زمین‌های بزرگ به قطعات کوچک نیز که از خواستار اولیه دهستان  
 بود به تأیید عهده‌داران نزد (با دلیل نبود که روزا لوگومورگ این سیاست بیشتر مورد جد و جوی قرار داد).  
 وضع غذای کور چنان بحرانی بود که در ماه ژوئیه ۱۹۱۸ یعنی محرم دهشت "زمان پیش از برداشتن محصول بعد از  
 بحرانی ترین دوران نقطه سوسیالیستی خواهد بود. باید گفت که نوعی اوج این بحران اکنون فرا رسیده است" «شلیا پینکف  
 از دیدن این صحنه کارگر اعلام کرد: "استعداد است که اگر ما قحطی را در چند ماه آینده چهار نهم تمام نقطه نابود  
 خواهد شد". بعد از این اوضاع زمانه مشغول به شلیا پینکف به گروهی از کارگران کارخانه پوتیلوف  
 اعلام کرد: "باید جاد بزرگی علیه سودجویان سازمان یابد. جوگیر از تمام معادله خصوصی تسلیم جباری  
 تمام مازاد عهده به دولت با قیمت ثابت، جوگیری مطلق از مخفی کردن مازاد عهده از سوی هر کسی، مثبت  
 جبار تمامی مازاد عهده برابر توزیع عادلانه میان تمام شهروندان، زیر نظر کارگر [باید بر عهده عمل در آید]

اما دولت در برابر مله و مواد غذائی روستاها ، چه چیز جز روغن بسیار کم ارزش داشت تا به دهقانان عرضه کند ؟  
 در حالی که دهقانان به صدای نوع کالاها مختلف از سوزن و نخ تا کبریت و سیگار و قند و شکر و ابزار و وسایل کشت  
 و پارچه و لنت و قفلی و غیره ... آیا دولت در این اوضاع توانسته است این کالاها را داشته باشد ؟ به چه نحو ؟  
 چرا ؟ چون از کمی صنایع نیز در دوران جنگ بطور حقیقتی در هم فرو رفته شده و تولید آنها به مراتب از سال ۱۹۱۳  
 پانچو تر آمده بود . از سوی دیگر نیز با مصلحتی کردن صنایع کوچک و متوسط در این مرحله از انقباض و منقبض  
 نزدی کانی و در پیش مدیریت برار گرداندن آنها لطافت بازم شدید تر بر صنایع کوچک و کوچک وارد شده بود .  
 دهقانان تا ، با گرفتن زمین و بهبود نسبی وضع مائشان اکنون از قدرت خرید بیشتر برخوردار بودند . برین  
 ترتیب با هیچ مبنی عرضه و تقاضا یکتا بر هم نخورده بود . در چنین شرایطی ، دولت جدید ( دکتور لنین ) که برادر  
 رساندن مواد غذائی ، چه به کارگران در شهرها و چه به سربازان در جبهه و چه به تکلفان غیر قابل علاج شده بودند ،  
 بکار چاره اندیشی ایستاد ، به تقویت کمیاب عیار سینه مواد غذائی و صدور فرامین پر شمار پرداخته ، با این تصور  
 که با صدور فرامین و از راه کار اداری می توان مستعد راهی کرد . دلالتی بر خود میان شهر داده ( یا به دیگر  
 سخن میان کارگران و دهقانان ) را باید در پرتو چنین پیشتر حد مائ برسی کرد . تجدید ای بر خود را ، زمین  
حقیقت داخ را فراهم کرد . تردید کانیست که اشتباهات نظری ( سوسیالیست ) و تاکتیکی از سوی بلشویکها در این زمینه  
 مؤثر بوده اند .

پیش از این در باره نادیده گرفتن یا کم جاداری به کار ساسکی گتسان دهقانان از سوی سوسیالیستها در کار  
 روس اشاره کردیم . البته چنین کار ساسکی را از آنجا می توان درک کرد که کارگران با آگاهی طبقاتی خود ،  
 انقباض را از آن خود میداشتند و برار حفظ آن از خود گذشتگی فرماندهان و کم نظیری نشان دادند .

در عین حال در میان با وجود آنکه خستین سود بردگان <sup>این</sup> بقترب بودند ، چنین همگی استواری نه به بقترب و نه به  
 همیشه نشان میدادند . در عین حال آن آراء ( که داشت سنت مکرر تا رودنیکی بودند ) سالها رسال در میان  
 دهمان کار و فعالیت سیاسی کرده بودند ، ایم در کونفر دهمان دیم زستوآ و از طریق این نهاد در میان  
 دهمان نفوذ سیاسی گسترده ای داشته . در واقع زستوآ و تعدادی مارده زیر نفوذ تهرکی آموزگاران ،  
 حرده تولید کنندگان و فوختهگان جزو و دیگر قشاد حرده جوژ و از زده بودند و این گروه با اکثر با اس آراء  
 رابطه داشته . معلوم آراء گمبورد کار سیاسی از سوسر موشکی در میان دهمان ایم در کنگره ناسیدمان شوراهای دهمان  
 در میان روزگار خست بقترب دیم در انتخابات مجلس مؤسسان در اواخر سال ۱۹۱۸ استوار گشته و پیاده کاران  
 زخمهای کار بر پیکر بقترب وارد کرد . در هر دو مورد با اکثر آراء متعلق به اس آراء بود چرا که آنان  
 از نظر دهمان مرض و حرده پاشناخته شد - بودند دیم اینان بودند که انتخابات را در هر دو مورد زیر کنترل خود  
 داشته و با وجودی که دهمان فقیر در اکثریت بودند اما بیشتر رأی دهندگان از دو گروه فوق بودند . با نظر  
 که در پیش یاد آورده شد یکی از دلایل استحکام دولت جمعی در ماه کار اول سپر از بقترب ، استوار موشکی با  
 اس آراء رچپ بود . اما پس از آنکه خوار داد برست لستوفسک با آسمانها مفاشته ، اس آراء رچپ از  
 دولت استعفا دادند و جمعی موشکیها به پایگاه <sup>خاستند</sup> تدریجی خست که ای رویه ادراک در <sup>سیاسی</sup> مقامت دهمان در برابر موشکیها  
 دگرده هر صبح آوری عند نقش موثر داشت . موشکیها در چنین هنگامی مجبور شدند کمیته کار دهمان فقیر را در  
 روستا تشکیل دهند تا اینکه گاهی در ده برست آورند . ای کارگر چه در ابتدا با موفقیتی نسبی روبه روستا ، اما تا  
 این موقع وضع غذای چنان فاجعه بار شده بود که اکثریت دهمان ( حتی دهمانان فقیر و خست از کارگران )  
 بار برست آوردن لغت نامه ، کسبه به دوش ، پیاده از زیر روستا به روستای دیگر بر راه خندان در عدالت را

در بازار سیاه " به دور از چشم مأمورین دولت خریداری میگردند .

سند پیم اجیت دیگر ، معاهده سرمایه و شرکت های خصوصی پس از انعقاد بود که بحث های فراوانی در باره آن

شده است . بهوشیکه اگر چه در برنامه عدالت کردن زمین و صنایع بزرگ را داشته اما بقول استیخا کوپن :

« نشاء سیاست در فراخی خوب آن چنانکه که لغوی شده ، دادن امتیاز به "جیب" می شود بلکه دانش آنان

به شرایط سخت و خطرناک زمان بود . مثلاً در ماه ژوئن ۱۹۱۸ ، دولت جدید از روسی آنکه مبادا توسط

بزرگ اقتصادی در سر زمین های شمالی به آلمانها واگذار شود تصمیم گرفت " در فرج مؤسسه صنعتی بزرگ " را

ع کت . سیاست مارشال دولت در ماه <sup>اکتبر</sup> ژوئن ۱۹۱۸ نیز که موجب درگیری های طبعاً و اخفاً منتهی بود از

دقیقان سه نتیجه روسی فراموش از محلی دیگر است در شهر بود . از همه هم که ، ماه ژوئن در ژوئن ۱۹۱۸

معادف با آغاز جنگ داخلی و تجاوز سردار خارجی به خاک روسیه بود . در دو سال و نیم پس از آن بهوشیکا

هم در ساله اقتصادی و هم نظامی انتشار سفید و کشور خارجی و در هر یک صابونه مرگ و زندگی بار گسترش

لطف خود بر روی صنایع موجود در کشور بودند . از سوی دیگر بر این مخالفت بنیانه صاحبان صنایع با پیروزی <sup>بهوشیکا</sup>

بسیار از آنان پس از انقواب کارخانجات را تعطیل و کارگران را راهی خیابانها کردند . دولت در این موارد

چاره ارجحی نمی کردن ای کارخانجات میزدند . نوشته های که به تاریخ از اینجاست است آمده نشان دهنده آن است

که او به پیچیده اقتصاد به ملی گردنبار گسترده نداشت . تردید نیست که در این ملی کردن ؟ زیاده روی نماند

دولت حتی برخی از مؤسسات کوچک را نیز معاهده کرد . نتیجه آنکه دولت مسئولیت عظیمی به دوش گرفت

که انجام این در شرایط موجود بسیار مشکل بود . بنود مواد اولیه ، نابودی بخش عظیمی از وسائل حمل و نقل ،

صحره اقتصاد ، آغاز جنگ داخلی و دشمنی زمینداران در صاحبان کارخانجات همه و همه موجب پائین افتادن

شده که لیست صنعتی شد. در صحنه سرطانی دولت کودکی عرضه کارخانه صنعتی کس درزی و دیگر کارخانه  
 مورد نیاز دهندهای را داشت و این مسئله بر نا رضایت دهندهان و مقامات آنان در برابر ناموس و اخلاق  
 عمومی افزود و از آنجا که بسیاری از این ناموسیان، کارگرانی مسلح بودند که نقاب را از آن خود  
 میداشتند و منتظر اخذ عده ضایع از دهندهان را داشته، برخورد طبعاً بسیار کارگران دهندهای مرفه و  
 نیمه مرفه ناگزیر گردید.

درین ترتیب با کشته شدن دهندهان، فروپاشی صنایع کس و درزی، همسران اقتصادی نظامی و دیگر کارخانه  
 بیست کارخانه و مانند، انگلیس و آمریکا به ترتیبی در صحنه و تجاوز آنها به روسیه و تسویق نا رضایت دهنده  
 جنگ داغ از اواسط سال ۱۹۱۸ آغاز می شود. عکس العمل دولت جدید در برابر این وضع صفدارها، بار  
 حفظ انتداب مهم برادر "کومونیزم جنگ" بود. «جنگ داغ در برنامه کومونیزم جنگ چنان اثرات مخربی بر تمام  
 کشور گشته است که نظیر آن در تاریخ بشری کمتر دیده شده است». این اثرات تنها مادی نبوده بلکه زندگی حزبی،  
 شیوه عملکرد و روش کار دولت جدید را چنان دگرگون کرد که در واقع چهره حزب کمونیست را نسبت به این  
 حزب در سال ۱۹۱۷ بطور بنیادین تغییر داد. حکیمه این اثرات را می توان چنین برشمرد:

- ۱- بنیادی ترین و مخرب ترین اثر جنگ داغ (۲۱-۱۹۱۸) کمیل بودن و تضعیف شدید طبقه کارگر روسیه  
 بود. بخشی بزرگی از کارگران صنعتی شهرها که ستون فقرات نقاب گسترده حزب کمونیست را تشکیل میدادند توسط این  
 جنگ بعهده شدند؛ بخشی از آنان در جنگ علیه تجاوز ارتشها و امپریالیستی دیاران داغ آنها یعنی هزاران تزاری  
 کشته شدند؛ بخشی به ایل محلی و گرسنگی پرداخته شدند و در جستجوی نعمتانی به مناطقی روسیه پناه بردند و بخشی دیگر  
 مخفیانه کار را ادامه دادند و کشته شدند. در واقع جنگ داغ نه تنها زیر بنای صنعتی کشور را نابود و آن کشور را

- حتی در بخش احوال آن - به کسوفی محبت مانده و یک درزی تبیین کرد بجه کارگران آن صنایع را نیز در گرداب  
 خود فرو برد . به همان اندازه نیز لطافت جبرای ناپذیر بر شودار کارگران - در نقشی تعیین کننده در تقویت  
 داشته - داشته - در نتیجه با پایان گرفتن جنگ <sup>این</sup> بجا بر آنکه شود؟ اهرم کاربرد کنترلی برگردش چرخ امور  
توسط پرموتاریا و زحمتهای باشد ، تبیین به اهرمی بار کنترلی کارگران شدند . از آنجا که قدرت کارگران در حقیقت  
 در این شورا کمترین کاسته شده بود ، حزب - که کارگران اعتیاد بزرگی را در آن تشکیل میدادند - جابر شورا را  
 گرفت و این به نوبه خود عدول از نظریه مارکستی بود . بعد تکلیف فتنه طبقات کارگر ، رهبری بجا آنکه در دست  
 طبقات باشد به دست حزب افتاد . سپس شرایط محفوظی برسانتر شد و آنجا که فرصت طلب بودند توانسته به حزب راه یابند .  
 این گروه در تازه دارد در واقع سیما وجود آوردند که حقیقتاً در حقیقت کومسوی را می توانست با خود بکشد و ببرد .  
 مختصر جبهه حزب بعد با فرسنگ و دانش پاشی عن توانسته نقش اساسی در گردش کار حزب داشته باشند و در نتیجه  
 گروه روشنفکران صفا حزب بصورت گروه رهبری باقی ماندند . برین ترتیب دیکتاتوری طبقاتی به دیکتاتوری

حزب تبیین شد .

۲- بدین بود کارگران و زحمتهای آید به با فرسنگ کومسوی برابر انجام هر یک صنعتی و کارهای اداری  
 ناگزیر این کارها به دست مدیران و کارمندان سابق تزاری افتاد . اگر شمار جمعی که در شان در این کارها چند  
 هزار یا چند ده هزار بود ، کارمندان و کارکنان تزاری صد هزار بودند که آنگاه که یا نا آنگاه که نه تنها  
 علیه دولت جدید مبارزه میکردند بلکه بطور وسیعی فریبک بود جوان ، فرصت طلبی ، استواری و سود استفاده را  
 به درون تمام نهادگر سیاسی - اجتماعی کشور تزاری میکردند و فریبک نویی داشته اند که قرار بود در حقیقت  
 رواج پیدا کند با خود داشته و مکار بودند .

۳- در دوران جنگ داخ ، بلشویک به دلیل نداشتن قدرت نظامی در برابر ژنرال مارشال و کابوز گران خارجی -

که همه مجربانه تجهیزات مدرن و نامحدود بود - علاوه بر تنگه برپشتیبانی مردم ، مجبور به تمرکز قدرت بصمیم گیری در حزب شده . حالت اضطراری و حرکت گام مارشال در حزب از یک جنبه به جنبه دیگر و از حوزه اقتصادی به حوزه نظامی و بلشویک تمرکز شده بصمیم گیری را می طلبید . بقول موشه لوی : " ایچ رونه دیوارهای منگی قادر به حل این مشکلات و معضلات کم تر شدن بود . روز عزل و نصب دستور از بالا که نه چیزی از سوی حزب <sup>حزب</sup> ~~بلشویک~~ با سنامه آن بود بهت سه سال طول کشید و درین ترتیب کشتی از زنگنه ~~کشتی~~ <sup>کشتی</sup> شد " . از آن پس عزل و نصب مار از بالا توسط دفتر ~~تنگه~~ ( orgburo ) که زیر نظر استالین بود ادامه پیدا کرد .

حال پس از بیان دلالت مشکلات سهگانه داخ که انقلاب را تهدید میکرد به عامل دیگر یعنی تحقق نیافتن پیش بینی دیمی بلشویکها مبنی بر آغاز انقلاب سوسیالیستی در کشور اردیبهشت که مقرر استلان می پردازیم :  
تأکید بر اینست که اگر این پیش بینی بلشویکها تحقق پیدا می کرد ، چهره انقلاب و سنجش آن از روندی کامله متفاوت بگذری گرفت و آسوده آن نیز مسیر یکب معادلات با آنچه در عمل روی داد پیدا می کرد . مواضع موجود بر سر راه انقلاب سوسیالیستی در اردیبهشت را میتوان چنین برشمرد :

۱- خفایت بین المللی مردم به کارگران در حاکمان استالین و انقلاب جهانی

انترناسیونال هم در کنگره آنتونگارت خود در سال ۱۹۰۷ ، پس از بحثها شدید و طولانی قطعا مصلحتی کاملاً گویا درونی به رهبری رساند که در آن گفته می شد : " چنانچه جنگ جهانی آغاز شود ، و طبقه سوسیالیست آراستند در حین پایداری دلان هر چه زودتر آن کوشش کنند و تمام توان خود را بکار اندازند تا با بهره گیری از بحران اقتصادی - سیاسی ناشی از جنگ توده مار مردم را علیه طبقه سرمایه دار برانگیزند "

قطعا در عرض بی در کنگره کهنهنگ ( ۱۹۱۰ ) و بازل ( ۱۹۱۲ ) به تصویب رسید . در واقع تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۴

اجازت سوسیال دموکرات عمده اروپا هر قسم یاد میکردند که با تمام قوه علیه جنگ باخوابند خاست . آنها هم

اجازت در روز اول اوت ۱۹۱۴ بیکاره با چرخش ۱۸۰ درجه از ره پستیها از حکومتها سر امپریالیستی خود

بر خاستند و به کشتار کلاگون و زخم کشانی کشورها در مگر جنگ رزق شبت دادند ( بجز فوب سوسیال دموکرات

ایتالیا که بطرف ماند ) . بقول ارنست مندل ، حتی تران ژوره که نه چه گرا دند سوسیالیست بود در

کنگره بازل مهم کرد : " ما علیه برادران خود جنگ نخواهیم رفت . ما به روی آنها استی نخواهیم نمود .

حتی اگر میبایست تمام کوششها را ، جنگ در گیرد ( در آن صورت جنگ در جهاد دیگر یعنی در فتنه صورت خواهد گرفت "

تو دیگری نیست که این چرخش ۱۸۰ درجه را می توانست تنها بر پایه تباهی سبک دایره کوروش سوسیال

دموکراتهای بین المللی هم توضیح داد . سود ، چرا که این تباهی ، خود نتیجه جذب شمار هر چه بیشتر از بخشها اجازت

دست نیکی کارگر در جامعه بود و داری بود . کشورها اروپا با تسلط بر مستعمرات گسترده در آسیا ، افریقا و امریکای لاتین

دست یابید گذاری را وسیع در خارج از مرزهاست ، قادر بودند زرخ سود سرمایه را با بهره نهند . این سودها کلون

میوانست موجب سرمایه گذاری در صنایع و تکنولوژی شده و قدرت تولید را بالا برد و از سودهای باخوام کردن

بازار برای محصولات <sup>این</sup> دهنده مواد خام ارزان توانای بالا بودن مزد و مزایای کارگرانی این کشور را ممکن ساخته

دکستار هر چه بزرگتر از آنانی را جذب اقتصاد و نظام آن جامع کند . قدرت تسلط بود و داری این کشور را

رست در این دقت جانی در دوران امپریالیسم است . به دیگر سخن در تمام کشورها سرمایه داری و صا ، هر

بشرافیت کارگر بوجود آمد که میوانست منافع خود را در دستار صنایع جهت حاکم کشور خود به میدهد برهنگی کند

تأثیر تبلیغات وسیع پس پرستانه طبقه سرمایه دار و حکومت خود قرار گیرد . اجازت سوسیالی دموکرات

بین اهل صومعه بود که این بخش از کارگران کشور اروپایی را نمایندگی میکردند، اما جنگ موجب شده بود از چهره  
واقعی آنان برداشته شود.

جذب میبویک آنا کارگران روسیه را که زیر سیستم معضات دستار چندلایه سرمایه داری خارجی و داخلی  
در اسباده تزاری بودند نمایندگی میکردند و به همان اندازه نیز روسیه از تاسیونالیستی و انقلابی‌شان قوتی از سوسیال  
دموکرات آلمان، سوسیالیست هرزانه و یا حزب کارگر انگلیس بود. بیشتر دیگری از احزاب سوسیال دموکرات  
اروپا هم چون حزب اسپانیا، روس آلمان به رهبر کارل لیب گفت در روز اوکرایزموگ و دیگر از تاسیونالیست کار  
"زیر داله"، آن بخش از کارگران در حقیقت کشور خود را نمایندگی میکردند که یا در اثر آگاهی سیاسی، جنگ  
را در نهایت به ضرر تمام کارگران در حقیقت جهان میدیدند و یا جاسوسی بورژوازی از نظر مادی توانسته بود  
آنها را در خود جذب کند. با دلیل نبود که یعنی روسیه را همچون حلقه ضعیف امپریالیسم جهانی میدید و انتظار  
داشت که با گسسته شدن این حلقه ضعیف، دستم آلمان شکست خورده که در همین حال دادار بزرگترین و پر  
نقدترین حزب سوسیال دموکرات بود انتقاب آغاز شود.

در واقع در بعد از پروزی انتقاب اکثر جنبش‌ها تا آنجا هم موجود بود. کارل لیب گفت از پایان جنگ  
از زندان آزاد شده بود و ناامان آلمان که دستور یک عهد خوناک به ناامان انگلیس را از دولت آلمان  
دریافت کرده بود سر به طغیان برداشته بود. گستاخ جنگ امپریالیستی، پروزی کلا در خاک روسیه - این تکیه گاه  
ارتجاع اروپا - با سامان جنبش در هم با شیده که اقتصاد کشور سرمایه داران اروپا همه در هم، اگر میبویکها  
را به این نتیجه رسانده بود که وقوع انتقاب سوسیالیستی دستم آلمان، آگوست و مبارکسان نه تنها ممکن بود محتمل است.  
آنا در این لحظه تاریخی، احزاب سوسیال دموکرات بین اهل صومعه نه تنها به حمایت از طبقه سرمایه دار و دولت  
حاکم کشور خود برخاسته بلکه در واقع تبدیل به مانی بر سر راه وقوع انتقاب کار سوسیالیستی شدند.

طیف نادان آلمان گرج فرزندت تا لیب کنخت در برلین بهم بر پان یک جمهور شوران در آلمان کرد . اما  
 در این زمان صدر اعظم آلمان پرنس ماکس فن بادن ( Max Von Baden ) مقام خود را به فریتز اربت  
 ( F. Ebert ) عضو سوسیال دموکرات کابینه واگذار کرد و عضو سوسیال دموکرات دیگر کابینه فیلیپ شایرمان  
 ( P. Scheidemann ) در برابر لیب کنخت بهم یک جمهور دموکراتیک کرد . در این هنگام ژنرال دیلم گروز  
 ( W. Groene ) رئیس راه آهن آلمان قب آلمان از مؤلفاندهی کل قوا پیشنهاد یک نظامی به دولت  
 شایرمان کرد . شایرمان پیشنهاد ژنرال را پذیرفت . ژنرال گروز با دشمن اجازه از سور دولت جدید دست  
 به سرکوب کومنیست در برلین زد که در ضمن آن کارل لیب کنخت و روزالوگزامبورگ دستگیر شدند . این درگیریها  
 زمانه به پایان رسید که گوستاد نوسکه ( G. Noske ) عضو دیگر سوسیال دموکرات اجوزا ، رئیس  
 پلیس ، دیگر کومنیست را قلع و قمع کرد . و قدرت را در برلین به دست گرفت . در همین ایام دستگیریهایی که لیب کنخت  
 و روزالوگزامبورگ به دست آلمان دست رانها به قتل میرسنه -  
 سرمنته بی از آن دولت و ایام ( Weimar ) تشکیل و اربت رئیس جمهور شایرمان صدر اعظم  
 آلمان می شوند و در آن ایام از سوسیال دموکراتها ، کاتولیکها و حزب دموکرات بوجود آورده . برین ترتیب  
 نه تنها بورژوازی آلمان از خطر انقلاب نجات پیدا می کند بلکه بتدریج صندوق ناسیونال سوسیالیست ( حزب نازی )  
 را بنیاسته از پول می کنند و با دامن زدن به حس میهن پرستی جزای و تولد پرستی آلمانها و استاده از ایجاد کننده  
 نسبت به دیگر کشورها پرسی در اثر بخش عزایت کمترین جنگ بر آلمانها در کنفرانس پاریس که موجب توری  
 جانفشانه گردیده بود ، معذات روی کار آمدن نازیها را فراهم کرده .  
 بورژوازی دیگر کشورها اروپای با درس گرفتن از تجربه روسیه و دست کشیدن از آن ، نه تنها دست

به یک سعه تمهیدات برای راهی کردن کارگران و صنعتی خود و دادن امتیازات به آنان زنده بود اقتصاد روسیه  
را در محاصره به جانب خود قرار دادند .

تا عامل هم دیگری که از اقتصاد در کشورهای اروپای جنوبی بود و تاکنون به ندرت مورد توجه قرار گرفته  
عامل شرکت امریکا در جنب اول جهان و دیگر عامل محظوم آن کشور به کشورهای اروپای غربی با شرکت گسترده  
به آنها و جوگیر از وقوع اقتصاد در این کشور است . برابر توضیح این مطلب باید به دوران ادوای قرن بیستم و  
میانجی قدرت‌های جهان در آن سال برگشت .

می‌دانیم که برتر اقتصادهای نظامی و سیاسی انگلیس در قرن ۱۹ موجب شد که لندن به مرکز جهان دلمیره  
انگلیس به پول ذخیره جهان تبدیل شود . تا سروری انگلیس بر جهان ( Pax Britanica ) عملاً توانست  
بطور نامحدودی ادامه پیدا کند و از ادوای قرن نوزدهم به پس رشت ناموزون سرمایه داری در کشورهای بزرگ  
صنعتی ، دو کشور قدرتمند جدید در صحنه جهان ظاهر شدند بعد منابع انگلیس را با چاشنی جبر رو بود کردند .

امریکا در ادوای قرن نوزدهم و ادوای قرن بیستم توان صنعتی اش از انگلیس پیشی گرفت . به همراه این  
قدرت صنعتی ذخیره طلهر آن نیز رو به افزایش گذاشت . بطوریکه این کشور تا سال ۱۹۱۰ توانست کنترل یک سوم  
کل طلهر شیواند ار جهان را به دست آورد . کشور دیگری که وارد صحنه رقابت جهان شد ، آلمان بود که قدرت  
صنعتی اش بر سالی جهت این کشور با سرعتی به مراتب بیش از انگلیس در حال افزایش بود و توانست با تلاش  
پیگیر واحد پول خود ، مارک را به دنیا برای معوازه پول ذخیره بقبولاند . دلیل جمع جنب بین اهل اول  
رانیز باید در رقابت میان آلمان از یکسو و انگلیس و فرانسه از سوردیگر برابر تسلط بر بخش‌های مهم بازرگانی  
از کشورهای جهان - و مخصوص مستعمرات و نیمه مستعمرات - در جستجو بازار ، مواد اولیه و سرمایه گذاری‌ها را با

نوع سود بالا دیر .

دولتی هزینه بسیار کم بر قدرت به منابع انگلیسی وارد شد ، منابع جنگ بود در اختیار جنوب در سال ۱۹۰۲ بود . منابع این جنگ ، انگلیس را مجبور به گرفتن وام از خارج در درجه اول از امریکا کرد . در این موقع یکی از قدرتمندترین بانکداران امریکا مورگان ( J.P. Morgan ) به کمک بانک انگلیس شتافت . این کمک نه بخاطر اینست و نه تقویت امپراتوری انگلیس بلکه در جهت منابع بانک مورگان و امپراتوری نوپای امریکا بود . نخستین کمیشن امریکا در قضاوت کردن قدرت برتر بانک جهان گرچه با پایان یافتن سریع جنگ بود . در سال ۱۹۰۳ با نام کمی بود بودشته اما این کشور با گذراندن قانون تأسیس بانک فدرال ( F. Reserve ) در سال ۱۹۱۳ آنگاه خود را برابر اجاز این مقام اعلام کرد .

جنگ اول جهان فرضی طلوع به امریکا داد تا به آزادی خود جامه عملی پوشاند . توان کم نیست ( T. Lamont ) شرکت بانک مورگان در سال ۱۹۱۵ در سخنرانی خود در حضور جمعی از بانکداران و سرمایه داران امریکایی نتایج پر خیز و برکت جنگ اول جهان را برابر بانک مورگان و ایالات متحده چنین برآورد :

« ۱- بسیاری از کلاهخانه داران و سوداگران ما در رابطه با فرآورده های مربوط به جنگ منابع سرشاری را به دست آورده اند

- ۲- بازرگانان مربوط به جنگ بازرگانی محلی به نفع ما بوجود آورده است .
  - ۳- این بازرگانان سرمایه تجاری ، ما را قادر به باز خرید اوراق قرضه ( Bond ) ما از سرمایه گذاران خارجی کرده .
  - ۴- بازرگانان این اوراق قرضه ، ادویه خونی تر مانا ما خارج را بصورت پرده بسته بهره به خارجیانی
- مصرف کرده و ما را از یک کشور به یک کشور بسیار دگر تبدیل کرده است

۵ - درین ترتیب ما اکنون اجزای کوزی سبکبار ، وارکننده ثروت از کوزی دیگر به امریکا خواهیم بود .

برین ترتیب جنگ اول جهان نفس تعیین کننده ای در تبدیل ایالات متحده به بزرگترین قدرت مایه جهان و نهائی امریکائی  
جهان از لندن به نیویورک باز می کرد . گرچه سرمایه داران اروپا در این زمان « اثر جنگ از هم فروپاشیده در بر آن درجه  
از ضعف رسیده بود که جهان انگلیس را سوسیالیستی را در آن کوزی بسیار زیاد میکرد اما امریکا تازه «نقطه آرمیل»  
را آغاز کرده و سرمایه داران آن با قدم های عظیمی به پیش می رفت و جنگ اول جهان نه تنها کوچکترین نظریه ای  
به آن نزد طبقه معذات برتر کامل اقتصادی - نظامی آنرا در جهان بوجود آورد . تحریک و نابودی عظیمی در جنگ  
اول در اروپا بوجود آورد . احتیاج مبرم به بازسازی دولت و از آنجا که جنگ جهانی اول در اروپا در اثر جنگ  
سخت منزوی شده بود ، این خط امریکا بود که دارا منابع مایه مورد لزوم برای نجات در آن بود .

امریکا در این زمان نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظر قدرت برتر جهان متحول شده بود . طبقه جاگیر ۱۴ ماده ای  
و ملیون ریشی ظهور یافته امریکا ( در برابر فرمان حواله کارگران و زمینکنان یعنی ) ادعای مخالفت با استعمار ،  
از اعتبار سیاسی بالادست در سطح جهان نیز برخوردار بود . امریکا نه تنها در سالها بعد فاصله پس از پایان گرفتن جنگ  
با دیگر مایه عظیم خود چون استونی از فزونی سرمایه داران اروپا جلوگرم کرد بلکه دولت و ورود آن در جنگ  
نیز اثرات بنامت می برار جلوگرم از انگلیس در این کشور آید .

دکتور سرچ ( V. Serge ) از بنده میونی که در دوران جنگ اول در آرسن فرانسه بود ، « خاطرات  
خود می نویسد : « من بطور قانع توجه ششم که چگونه یک سعه نویدار در تمام زمان از یک جوان

انگلیس [ در اروپا ] جلوگرم کرد :

« مارس ۱۹۱۷ : فریبانی اسپراد در روسیه . آوریل ۱۹۱۷ : قیام در منطقه شامپانی .

"این قیام بسیار جدی تر از قیام‌های پیش از این بود بشکری که کاملاً از آرس [فرانس] کجا از هم پاشیدند

و صحبت از رژه پررزمه افتاد. لسور پاریس بود. ژنرال نیول (Nivelle) زنده کل قوا و

جانشین ژنرال Joffre در ماه آوریل گذشته بود در جبهه آلمان در Craonne و

Rheims شکست بوجود آورد و بار بار این کار چنان هم برای او خورد که مجبور به عقب نشینی شد. در این

موقع بود که ارتش دست به طغیان زد. در این زمان عامل بسیار مهمی که وفات کرد و در نتیجه ژنرال

نیول در دست این طغیان را به رهبری سرکوب کند درود امریکا در تاریخ آوریل در جنگ بود.

سرکوب طغیان در پیش جبهه فرانس به نزد آلمان در ۹ آوریل آغاز شد و از آن پس اهمیت

انقلاب روسیه اهمیت خود را در میان سربازان فرانسه از دست داد. "در ادبیات ما خوانیم:

"امریکا جنگی دارد جنگ شد که انگلیس بر این صفت زیر دریایی آلمان (U. Boat) تنها

بار سه هفته در آن آذوقه دست (دو سه ماه آذوقه را "ماه سیاه" نامید). با آغاز

درود امریکا در جنگ و مبارزه علیه نیروی دریایی آلمان و پیاده شدن نیروهای آنها در اروپا، ارتش

دولت آلمان دریای و اهمیت آنها تغییر کمی پیدا کرده و بهبود یافت.

بهی ترتیب جنگی کنیم که قدرت هم قدر دفاعی امریکا بعنوان ستون اصلی ثابت است ~~و~~ جهان سرمایه داری

نه از جنگ هم جهان که از جنگ اول آغاز شده بود.

به ترتیب به راه که پیش آمده، دو شرطی که یعنی در این نظام پر دزدان خوب به ترتیب بار پروردگی درازند

و نهاده سوسیالیسم در روسیه پیش می‌گردد بودند نه تنها تحقق نیافت بلکه دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را خود را

چنان از این دلالت که کورسور جنگ داخلی کرده است. لطافت وارده بر کورسور و انعقاد در این جنگ بر آنجا رسیده که گاه  
حق ملبوس می‌گردد تا مردم حکومت خود همچنان نه‌استند و تنها به دلالت زیر در جنگ داخلی پیروز شده‌اند :

۱- رهبری سیاسی و زمانه‌ی دامنه‌ی یعنی امروزه با رهبری نظامی کورسور در جهاد جنگ نقش عمده‌ای در

باید فهمیده‌ای روحیه کارگران در جنگشان داشت .

۲- تجاوزه‌ی نیروهای خارجی بجای که روسیه روحیه‌ی همین نوعی مردم را بر انگیزت و نه تنها توده‌ی کار وسیع کارگران

در میانان ، بلکه اجزای سوسیالیست مخالف ملبوس می‌گردد و بسیاری از ایشان در حیات متوسطه‌ی پیش از کودکی دارای داد طلبانه  
بهر دفاع از خاک کورسور ملبوس می‌گردد شاکتند . ملبوس می‌گردد نیز با آغوش باز از آنان استقبال کرده بطوریکه بعضی

از این همواره به مقامات بالائی در ارتش نیز رسیدند .

۳- کجا که ، دینیک ، کالبرین و دیگر همزمان رسید که با کمک کار نظامی فرانسه ، انگلیس و امریکای

روسی را تعرف و متوجه‌ی وجود آن‌ها کرده بودند ، زمینها را از دستان آن‌ها پس گرفته و دوباره به زمینداران پیشین

باصحیح پیروند . آنان مخالفین خود کجا ملبوس می‌گردد را وحشیانه قتل عام کردند و قواصی زمان آن‌ها را چه در ارتش

و چه در نهاد کار غیر نظامی برقرار کردند . برای ترتیب مردم با چشم خود چهره‌ی سفوز رژیم سابق را دوباره دیدند

و به مخالفت با آن برخاستند .

۴- مقاومت فرمانان جنگ و کارگران مسلح در برابر لشکرت دخیل سخیار غیر قابل تصور از سوراخمان

نقشی بسیار پر اهمیت در این پیروزی بازر کرد .

جنگ ملبوس می‌گردد که با نیروی ناچیز به رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی برخاسته بود ، ضمن این جنگ

توانست ارتشی سیخ لا سیونا بوجود آورد . پیروز در جنگ داخ از کسود در بشوئیکا جسی از عجز در شکست ناپذیری  
 در برابر سلطنت بوجود آورد و از سورد دیگر آنها را در برابر سلطنت سمیگنی قرار داد که رویاروی با آنها راه حل نادر  
 جبر می طلبید . بشوئیکا نه تنها در داخل با اقتصادیک کاملاً فرد پاشیده و از هم گسیخته روی بود بلکه از نظر خارجی  
 بیایست تا وقوع انقلاب در اروپا - که هنوز امید آن را از دست نداده بودند - از رویاروی با قدرت نامرغوب دوری گفته .

فشاری که در سار اقتصادیک و محدودیت دیوکراسی در زندگی حزبی - به دلالت که در بالا اشاره شد - به آنها  
 رسید که یکی از پایگاه نامرسم انقلاب یعنی نادگان کوشش سرشورشی برداشت . این شورشی در سربوب آن از  
 سر دولت جدید چنان مزید یکی به اعتبار خوب دارد که کشور یعنی در برابر پیش جنبه گارانی مجبور شده موصی  
 داخلی بگردد و بگوید : " باور کنید در نوع حکومت در روسیه امکان پذیر است : یا حکومت تودارک یا حکومت کوردان " .

مجموعه عوامل بالا موجب شد که در اوایل سال ۱۹۲۱ حزب برهبری یعنی برارجات کوردانست به  
 یک محبت نشینی استراتژیک بزند و برنامه سب را اعلام کند . متواتر اسکا این برنامه ، دادنی استیاز به دهقانان  
 و دیگر تولید کنندگان کوچک با هدف بالا بردن تولید بود . نتیجه این اقدامات دوران کمونسم چنان که حصه <sup>م</sup>  
 از میان بردن نقش بازار را دست گزار گشته شد و به دهقانان مجاز داده شد تا بازار علف خود را در بازار  
 آزاد بپوشند و تنها تعداد معدودی از آن را بعنوان مالیات جسی به دولت تحویل دهند . یعنی اقدامات سب

را به این صورت توضیح میدهد : این اقدامات <sup>منبع</sup> « آن گشوده تولید سرمایه داری است که ما باید بپذیریم  
 در زمان پذیرش آنرا هم داریم ... ما باید ترتیب امور را طوری بچینیم که فشار متوسط اقتصادی دشواری تبدیل  
 نوع سرمایه داری معنی شود . این کار باید بجاظر مردم انجام شود . در غیر اینصورت ما قادر به ادامه آن نخواهیم بود »

اهم برنامه‌ریزی و بحث فکری هم‌اکنون خوب از طرف سوسیالیست‌ها، بهترین نشانه اجبار خوب به بحث فکری از جمله پروازهای آن در پیاده کردن سوسیالیسم در کشور محبت مانده بود. یعنی به این محبت مانده تا کاملاً آنگاه بود و اکنون که همیشه نسبت به انقلاب سوسیالیستی در اروپا از میان رفته بود، با صدای قوی نظریه‌ها اذعان میکرد که به‌شکلی باید از این جنبه پروازنده انقلاب اکثر محبت فکری گفته. مطالعه مقالات او در

سپتامبر - یون سالار ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ - و وصیت نامه او از این جنبه اهمیت بسیار دارد.

در دوران گذار عینی در گذشته یعنی تا اواخر دهه ۱۹۲۰، وجود بنیانگذاران اولیه حزب - که حتی به اذعان دشمنان آن فسادناپذیر بودند - سعی در برابر روح فساد در حزب بودند و دست آورد کار عظیم اقتصادی

علی و مرتضی لقیب شوروی کردند، اما پس از تصفیه کار سالیسی سالار دهه ۱۹۳۰، دست‌های حزب بر تمام

مقدار است کشور و نبود اهمیت کارکنانی توده‌ها مردم بر حزب، شرایط روح فساد در جهت طلبی در حزب پدیدار

شد و نتیجه‌ی این فساد و تباهی را در سالار ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ و به‌ویژه علوم و چهارم اکثر ۱۹۹۲ در محضر

دلی فردوسی چو ز بلیسی دیمیم

مکتب محبت - نیویورک  
 ۷ نوامبر ۱۹۹۳



- 15- L. Trotsky: *The Revolution Betrayed* (Pathfinder Press 1972)
- 16- David Shub: *Lenin* (Pelikan Books 1976)
- 17- Martin Walker: *The Walking giant* (Pantheon 1986)
- 18- Ernest Mandel: *From Stalinism to Eurocommunism* (NLB 1978)
- 19- Basil Kerblay: *Gorbachev's Russia* (Pantheon Books 1989)
- 20 - Paul LeBlanc: *Lenin & The Revolutionary Party* (Humanities Press)  
1990
- 21 - E. H. Carr: *The Bolshevik Revolution 1917-1923* (Norton 1983) 3 Vol.
- 22 - *A Short History of the Communist Party of U.S.S.R.* (Progress Publisher)  
1970
- 23 - Roy Medvedev: *Nicholai Bucharin: The Last years* (Norton 1980)
- 24 - Roy Medvedev: *On Socialist Democracy* (Norton 1975)
- 25 - Stephen Cohen: *Bucharin & The Bolshevik Revolution* (Oxford U. Press)  
1980
- 26 - Stephen Cohen: *Sovieticus* (Norton 1986)
- 27 - Stephen Cohen: *Rethinking The Soviet Experience* (Oxford U. Press)  
1985
- 28 - Moshe Levine: *The Gorbachev Phenomenon* (U. of California 1988)
- 29 - John Reed: *Ten days That Shook The World* (Bentham Books 1987)

- 30- N.N. Sukhanov : *The Russian Revolution* ( Princeton U. Press 1984 )
- 31- Robert Daniels : *Red October* ( Beacon Press 1984 )
- 32- Leonard Shapiro : *The Origin of Communist Autocracy*  
( Harvard U. Press 1977 )
- 33- William Chamberlin : *The Russian Revolution*.  
( Princeton U. Press 1987 ) 2 Vol.
- 34- Louis Bryant : *Six Red Months* ( The Journeyman Press  
1982

